

کفالت چیست ؟

کسانیکه با دستگاه قضائی (در امور جزائی) سر و کار دارند خواه متهم باشند یا شاکی خوب میدانند که متهمین در صورت توجه اتهام بطور مطلق آزاد نخواهند شد بلکه جهت دسترسی بآنان بر طبق ماده ۱۳۹ قانون اصول محاکمات جزائی یکی از قرارهای زیر :

- ۱ - التزام عدم خروج از حوزه قضائی باقول شرف.
- ۲ - التزام عدم خروج از حوزه قضائی با تعیین وجه التزام تا ختم محاکمه و اجراء حکم.
- ۳ - اخذ کفیل.

۴ - اخذ وثیقه و در صورت لزوم توقیف احتیاطی صادر خواهد شد.

البته صدور هر یک از قرارهای مذکور تابع تشریفات و مقررات خاصی است که آگاهی بهر یک از آنها حائز اهمیت بوده و شایسته بحث جداگانه است و چون بحث و تفصیل همه آنها بطول خواهد انجامید فقط در این مقاله بحث کفالت اکتفا میشود و منظور از آن راهنمایی کسانیکه قبول کفالت مینمایند و اغلب بر اثر عدم اطلاع بقوانین و مقررات جاریه یا مسامحه در انجام تعهد خود ملتزم بپرداخت وجه الکفاله یا بازداشت خواهند شد لذا بحث کفالت را بچهار بخش نموده و بشرح هر کدام جداگانه خواهیم پرداخت:

- ۱ - کفالت چیست ؟
- ۲ - کفالت چگونه منعقد میشود و کفالت چه افرادی پذیرفته خواهد شد ؟
- ۳ - وظیفه کفیل و دستگاه قضائی چیست ؟
- ۴ - آثار کفالت چیست و طریق اخطار بکفیل کدام است ؟

(۱)

موضوع کفالت امری نیست که از ابتکارات واضعین قوانین مملکتی باشد بلکه در فقه اسلامی بحثی بکفالت اختصاص دارد و قانون مدنی ایران نیز که متخذ از فقه اسلامی است موضوع کفالت و مقررات مربوط بآنها ضمن مواد ۷۳۴ - ۷۵۱ بیان داشته است و واضعین قانون دادرسی کیفری هم بشکل خاصی که در تأمین منظور اقرب بصلاح باشد اعمال آنرا جایز شمرده اند حال باید دانست که کفالت بر حسب منطوق ماده ۷۳۴ قانون مدنی عقد است که بموجب آن احد طرفین عقد در مقابل طرف دیگر احضار شخص ثالثی را بعهده میگیرد از بیان این ماده چنین بر میآید که جهت تحقق کفالت وجود سه نفر لازم

کفالت چیست

است که متعهد را کفیل و متعهد له را مکفول له و شخص ثالث را که قبول کفالت برهائی او انجامیده است مکفول مینامند.

(۲)

پس از اینکه از متهم در مرحله بازپرسی تحقیق و قرار کفالت صادر شد بمتهم اعلام میشود که آزادی وی منوط بمعرفی کفیل بمبلغ معینی خواهد بود البته کفالت هر شخصی پذیرفته نیست چه کفالت عقدی است لازم و نیاز بایجاب و قبول دارد با اینوصف کفالت افرادی پذیرفته است که واجد اهلیت قانونی باشند خاصتاً آنکه بموجب ماده ۱۳۱ قانون آئین دادرسی جزائی کفالت شخصی پذیرفته میشود که اعتبار او برای پرداخت وجه الکفاله حین وقوع عقد محل تردید نباشد. احراز اعتبار کفیل هم با بازپرس است. درخاتمه اضافه مینماید که بنظر نگارنده قبول کفالت افرادی هم که بافتضای شغل و سمت یا حالت مزاجی مصون از توقیف توانند بود خالی از اشکال نیست مگر اینکه ضرورت ایجاب نماید و برقاضی تحقیق ایفاء بتعهد محقق شود.

(۳)

پس از اینکه عقد کفالت بصحت انجام پذیرفت کفیل ملزم است هر وقت از طرف مراجع قضائی امر باحضار متهم گردد و مشارالیه نزد مقامات مربوطه حاضر نشد بنحویکه در متن عقد مذکور است در احضار و معرفی او اقدام نمایند البته باید دانست قرار کفالت که درباره متهمین صادر میشود بمعنای مطلق نبوده بلکه وقوع عقد بنحو موقت خواهد بود که منتهی به صدور حکم و شروع با اجرای آن بوده و در هر صورت باختم پرونده پایان خواهد پذیرفت.

نیز قانون اصول محاکمات جزائی مواردی را که کفیل ملزم باحضار و معرفی متهم خواهد شد ضمن ماده ۱۳۱ (لزوم احضار متهم از طرف مستنطق، محکمه، مدعی العمود) بیان داشته و حتی در بیان تبصره ذیل ماده ۱۳۶ مکرر آن قانون در غیر مواردیکه ذکر شده احضار کفیل را ممنوع داشته است.

(۴)

همینکه متهم از طرف مقامات مربوطه احضار و با ابلاغ صحیح احضاریه بدون عذر موجه حاضر نشد (معاذیر قانونی در ماده ۱۱۳ اصول محاکمات جزائی مذکور است) بکفیل اخطار خواهد شد که بر طبق ماده ۱۳۶ مکرر اصول محاکمات جزائی مکفول خود را حاضر نماید و در صورتیکه مشارالیه با ابلاغ صحیح اخطاریه و فقد عذر موجه در احضار و معرفی مکفول خود تعلق ورزد بدستور دادستان وجه الکفاله اخذ و در صورت امتناع با احتساب وجه مرقوم بقرار روزی پنجاه ریال بازداشت خواهد شد مشروط بر اینکه از یکسال تجاوز ننماید.

حال در این قسمت توجه مأمورین ابلاغ را باین نکته جلب مینماید که در تبلیغ

کفالت چیست

اخطاریه بنحو واقعی و سواد نداشتن کفیل باید توجه داشته باشند که بر وفق مقررات مربوط با بلاغ بایستی مراتب را با امضاء یکی دیگر از سأمورین انتظامی یادونفر شاهد از اهل محل سکونت کفیل برسانند تا احرار از تخلف دچار اشکال نشود و مقامات قضائی نیز در صدور اخطاریه بصرف امضاء منشی بازپرسی یا رئیس دفتر دادگاه اکتفا نمایند چه کفیل در صورت امر مقامات مذکور ملزم باحضر مکفول خواهد بود و در غیر اینصورت تحقق چنین الزامی بعید خواهد نمود.

دیگر اینکه صدور قرار تأمین و قبول آن ممکن است بر حسب تقاضا و به نیابت قضائی انجام پذیرد :

مثلاً بازپرس دادسرای تهران با ارسال پرونده بحوزه قضائی قزوین از بازپرس آن حوزه تقاضا مینماید که در موارد معینه از متهم تحقیق نموده و در حدود مبلغی قرار کفالت صادر نماید در این حال باید دانست که چنین کفیلی ملزم بمعرفی مکفول خود در محضر مقامات قضائی تهران خواهد شد.

چه بموجب ماده ۷۴۲ قانون مدنی در صورتیکه محل تسلیم مکفول در عقد تصریح نشده باشد محل وقوع عقد مناط اعتبار خواهد بود مگر اینکه وقوع عقد منصرف بمحل دیگر باشد و چون در این مورد پرونده جزائی در تهران تنظیم یافته مسلم است که نتیجه اخطار بکفیل معرفی مکفول او در تهران خواهد بود.

در خاتمه مجدداً تذکر میشود که از بحث در این موضوع غرض راهنمایی و مطلع ساختن کسانی است که بر حسب ضرورت قبول کفالت مینمایند و گرنه شرح کامل کفالت در این مختصر نگنجد هر چند بسط مقال موجب ملال شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی